

## بررسی راه کارهای تحقق عدالت اقتصادی با الگوگیری از حکومت حضرت علی علیه السلام

نسیم لبا جعفر<sup>۱</sup>

### چکیده:

در دوران معاصر، تحقق عدالت اقتصادی نیازمند ارائه برنامه‌های دقیق بر مبنای قرآن و عملکرد امامان معصوم علیهم السلام است. این نوشتار، به دنبال بررسی راهکارهای عدالت اقتصادی در حکومت امام علی علیه السلام است. البته این مسئله را می‌توان در دو بعد سیاسی و اجتماعی بررسی کرد.

با بررسی منابع تاریخ و روایی می‌توان دریافت که اموری همچون انتخاب کارگزاران شایسته، ایجاد امنیت در جامعه اسلامی و مرزها و انتخاب مکانی مناسب به عنوان مرکز خلافت به عنوان راهکارهای سیاسی تحقق عدالت اجتماعی در حکومت امام علی علیه السلام قابل طرح است. علاوه بر این تقسیم عادلانه بیت المال، نظارت بر بازار و مبارزه با فساد اقتصادی و نیز تکافل اجتماعی به عنوان راهکارهای اجتماعی تحقق عدالت در حکومت امام مطرح می‌شود.

جامعه ای که اقتصاد آن که در دست کارگزاران ناشایسته و فاسد باشد نمی‌تواند به پیشرفت برسد، زیرا اگر سیاست حکومتی فاسد باشد اقتصاد آن هم فاسد می‌شود، لذا حضرت نگاه ویژه به امور سیاسی حکومتش داشت. علاوه بر این امام قبل از مباحث اقتصادی توجه ویژه برای انتخاب کارگزاران داشت. وی می‌دانست که جامعه ای بدون امنیت کافی نمی‌تواند به عدالت اقتصادی مورد نظر برسد.

امام با دریافت عادلانه اموال و توزیع دقیق و سریع آن بین مردم بر اساس احکام شریعت الهی، جلوگیری از تکاثر ثروت و دست به دست گشتن آن بین اغنیاء جلوگیری از رشوه، ربا و اختکار در دستگاه های حکومتی و مبارزه با همه فسادهای مالی و نظارت بر بازار توانست عدالت اقتصادی را در جامعه محقق کند.

**واژه های کلیدی:** عدالت اقتصادی، حق الناس، حکومت، بیت المال، امام علی علیه السلام.



<sup>۱</sup> کارشناسی رشته شیعه شناسی، کد ۳۴۷۴۴، جامعه المصطفی اصفهان،

## مقدمه:

انسان برای بقا و حیات خود احتیاجات زیادی دارد به چیزهای از قبیل غذا و لباس و مسکن که وسائل معاش نامیده می شود. انسان به غیر این امور نیز احتیاجات دارد از قبیل احتیاجات خانوادگی یعنی زن و فرزند، احتیاجات فرهنگی، احتیاج معنوی و دینی، احتیاجات سیاسی یعنی حکومت و آنچه مربوط به شئون حکومت است. در بین احتیاجات انسان اولی ترین آنها احتیاجات اقتصادی است زیرا انسان در حیات و بقاء شخصی خود به آنها نیازمند است و بدون آنها قادر به ادامه حیات نیست. بعد از حکومت اسلامی که پیامبر اسلام ﷺ پس از هجرت، در مدینه تشکیل داد، حکومت حضرت علی ﷺ هر چند متأسفانه بسیار کوتاه بوده، اما نمونه کامل حکومت اسلامی پس از پیامبر اسلام ﷺ بود.

هنگامی که امام علی ﷺ زمام خلافت را به دست گرفت، ثروت و قدرت برخی از چهره های سرشناس حدود مرزی نداشت، حدود الهی تعطیل شده یا اجرا نمی شد. حکومت در قبضه ای اطرافیان عثمان و افراد فرومایه افتاده بود، مردم به تبلی و سستی خو گرفته بودند، اموال بیت المال در دست ناصالحان بود. مردم، عمال و کارگزاران و حتی خلیفه سرگرم فتوحات بودند و از سنت پیامبر ﷺ فاصله بسیار گرفته بودند. امام علی ﷺ در سال ۳۵ هجری به خلافت رسید و بار دیگر سیره و سنت آن حضرت را حیات مجدد بخشید.

بی تردید عصر حکومت امام علی ﷺ، از دوره های برجسته تاریخ اسلام به شمار می آید. احیای سنت، رفع تبعیض و تبیین حقوق متقابل حکومت و مردم، و اجرای عدالت اقتصادی و بطور کلی تجلی حکومت دینی بر اساس اندیشه های اسلامی است. امام علی توزیع امکانات را به گونه مساوی انجام داد همچنین از ذخیره سازی بیت المال و تأخیر در توزیع آن خودداری کرد این سیاست ها باعث شد وضعیت اقتصادی جامعه دگرگون شود و فقر و بی عدالتی از بین برود.

این تحقیق به دنبال بیان راهکارهای تحقق عدالت اجتماعی در حکومت امام علی علیه السلام بوده که دارای دو بخش است، فصل اول مفهوم شناسی و فصل دوم اهمیت و آثار اجتماعی عدالت اقتصادی، بخش اول راهکارهای سیاسی تحقق عدالت اقتصادی حکومت امام علی ﷺ، بخش دوم راهکارهای اجتماعی تحقق عدالت اقتصادی در حکومت امام علی ﷺ است و در خاتمه بحث نتیجه ارائه می شود.

### - پیشینه تحقیق

مواد خام مربوط با موضوع را می توان در منابع متنوعی مانند منابع تاریخی، روایی یافت. منبع اصلی این تحقیق نهج البلاغه سید رضی، ترجمه محمد دشتی بود و دانشنامه امام علی ﷺ جلد هفتم درباره اقتصاد اسلامی بحث کرده و بسیار از آن استفاده شده است، و نیز کتاب سیمای کارگزاران حکومت حضرت علی ﷺ تألیف علی اکبر ذاکری، و وسائل الشیعه تألیف محمد بن حسن حر عاملی (م ۱۱۰۴ ق) از کتب حدیثی شیعه

است که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. در این پژوهش از احادیث مربوط به باب های اقتصادی و عدالت استفاده شده است. از دیگر منابع این تحقیق منابع تاریخی است، تاریخ یعقوبی تألیف ابن واضح احمد بن یعقوب معروف به یعقوبی (م ۲۸۴ق) از دیگر منابع این تحقیق است. واضح جد یعقوبی از شیعیان بود که هادی عباسی به جرم حمایت از ادريس بن عبدالله علوی در سال ۱۶۹ق وی را گردن زد، از این رو برخی در شیعه بودن واضح تردید نکرده اند. به هر حل وی کتاب خود را بی طرفانه نوشته است. تاریخ تألیف این اثر دو جلدی به طور دقیق مشخص نیست، اما حوادث تا سال ۲۵۹ ق را در بردارد. جلد اول شامل وقایع قبل از اسلام و جلد دوم شامل وقایع بعد از اسلام.

کتاب تاریخ الامم والملوک تألیف ابو جعفر محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ق) مهمترین منبع تاریخی است در شناخت بستر تاریخی عصر امامان علیهم السلام کمک فراوانی کرد، این کتاب را ابو علی محمد بلعمی وزیر نامی سامانیان به امر منصور بن نوح سامانی در سال ۳۵۲ با عنوان تاریخ نامه طبری ترجمه و تخلص کرده است در شناخت بستر تاریخ عصر امامان علیهم السلام و تدوین این بخش از اثر مهمترین منبع به شمار می آید.

کتاب سیره سیاسی نظامی اقتصادی و مردماری سیره علوی در دوران خلافت امام علی علیه السلام تألیف دکتر جهانبخش ثواقب در عرصه علم اقتصادی سیره اقتصادی امیرالمؤمنین علیه السلام را تحلیل نموده است تا به نوشته نگارنده الگویی عینی و علمی برای انسانی که به دنبال موفقیت اقتصادی است، ارائه شود و در کنار الگوهای نظری، اصول روش های صحیح را تبیین نماید. نویسنده سعی کرده است با ارائه گزارش های تاریخی و تحلیل فعالیت های امام علیه السلام سیره اقتصادی وی را نشان دهد.

- روش پژوهش

شیوه پژوهش در این پایان نامه گردآوری اطلاعات و کتابخانه ای و اسنادی می باشد. این تحقیق بین رشته ای و با علوم مختلفی مانند: تاریخ، حدیث و سیره در ارتباط است. در گزینش احادیث و روایات سعی بر حکمت ها و نامه های نهج البلاغه مطبق با موضوع استفاده کرده و برای گزینش تاریخ سعی کرده متن صحیح تاریخی را استفاده کرده

## مفهوم شناسی

- عدالت

در ارزش و اعتبار عدالت همین بس که در قرآن کریم برقراری عدالت به عنوان هدف بعثت همه انبیاء معرفی شده است و پیامبران الهی برای اجرای آن مبعوث شده اند:

\*به تحقیق ما پیامبران را بادلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو فرودآوردیم تا مردم عدالت را برپاکنند.\*<sup>۱</sup>

نراقی در معراج السعاده با اینکه از مطالب اخلاقی بحث کرده اجرای عدالت را اشرف و افضل انواع سیاست دانسته و معتقد است هر عدالتی نسبت به عدالت حاکم است و اگر عدالت سلطان نباشد، احدی از اجرای عدالت متمکن نخواهد بود<sup>۲</sup>

عدل در لغت: به معنای راستی، برابری و انصاف در داوری آمدن است و در مقابل جور قراردارد. و عدالت به معنای دادکردن، دادگر<sup>۳</sup>

عدالت در اصطلاح: عبارت است از وضع و قرار دادن هر شی در جایگاه مناسب آن است.<sup>۴</sup>

عدل جایگاهی بسیار رفیع دارد و رعایت آن، موجب آزادی و کرامت انسان می شود. بدان که اساس حکومت حضرت علی (ع) عدالت بود، بهترین میزان برای سنجش موفقیت حکومت، میزان بهره وری و رویکرد حکومت به عدالت است. عدالت از دیدگاه امام علی (ع) دارای مفهومی عمیق، همه جانبه و به معنای قراردادن هر چیز در جای مناسب خود و رعایت استحقاق هر چیز و رساندن هر صاحب حقی به خود است، چنان که فرموده است: \* عدل همه چیز را در جای خود قرار می دهد\*<sup>۵</sup> امام علی (ع) پیشوای عدالت گرایان همه چیز را با عینک عدالت می دید و همه چیز را با معیار عدالت می سنجید و حکومت را هم برای برپایی عدالت پذیرفت تا در بستر عدالت، عبودیت خدا را معنا بخشد.<sup>۶</sup>

#### - اقتصاد

در لغت از ریشه قصد و به معنای اعتدال و میانه روی در اطلاع، اقتصاد بهره گیری از روش های و ابزارهایی است که باصرف کمترین هزینه، بیشترین بازدهی در تولد، توزیع و مصرف به دست آید<sup>۷</sup>

۱. سوره حدید: آیه ۲۴

۲. ملا احمد نراقی، معراج السعاده، ص ۵۱

۳. ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرّم ابن منظور الافریقی المصری، لسان العرب، ص ۱۰۸۸.

۴. معلوف لویس، المنجد عربی-فارسی، ترجمه محمد بندر ریگی، ۲۵۳۰.

۵. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه، محمددشتی، حکمت ۴۳۷، ص ۷۳۵.

۶. محمد مهدی باباپورگل افشانی، حاکمیت و حکمرانی در نهج البلاغه، ص ۷۲-۷۳.

۷. شهید مطهری، نظری تنظیم اقتصادی اسلام، انتشارات صدرا، تهران، ایران، ص ۱۷.

در زبان فارسی به معنای میانه روی و تعادل دخل و خرج است و به طورعموم تعریف پذیرفته شده ای در میان اقتصاد دانان ندارد. این واژه ها از دوکلمه OIKOS و NE MIN<sup>۱</sup> به ترتیب به معنای خانه و اداره کردن گرفته شده است و از نظر لغوی به معنای اداره کردن خانه است<sup>۲</sup>

اقتصاد اسلامی یعنی مجموعه ای از مباحث مکتب اقتصادی نظام اقتصادی و علم اقتصاد است که با روش خاص خود و با توجه به فرهنگ بینش های اسلامی تنظیم و ارائه گردیده است.

## - عدالت اقتصادی

مفهوم عدالت اقتصادی، مراعات حقوق اقتصادی است و زمینه ساز تحقق اهداف عالی اسلامی می باشد. معیار عدالت، اهداف عدالت، تقدم عدالت بر رشد و توسعه و اینکه کارآیی لازمه عدالت است، از محورهای مهم مبحث عدالت اقتصادی است. علی رغم آنکه همه فرهنگها و مکاتب، خواهان عدالت اقتصادی و مدافع آن هستند ولی دین مقدس اسلام، آنگونه که امیرالمؤمنین علی علیه السلام بحق زبان گویا و مجری صادق آن بوده اند، خاستگاهها، پیامدها و اهداف خاص خود را دارد. این نوشته درصدد است درحد توان، محورهای یاد شده را به اختصار با تکیه به سخنان آن حضرت، تبیین کند.

عدالت اقتصادی مصداقی از عدالت در معنای وسیع آن است. معرفی معنای وسیع عدالت راهی است برای یافتن حدود و ثغور مفهوم عدالت اقتصادی و به تعبیر دیگر، عدالت اقتصادی بُعدی از ابعاد گوناگون عدالت، از قبیل عدالت سیاسی، قضایی و فرهنگی است. امروزه برای عدالت اقتصادی گاهی از واژه عدالت اجتماعی نیز استفاده می شود. برای آشنایی با معنای عدالت، در پرتو انوار سخنان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام قرار می گیریم تا از این طریق خوشه هایی برچینیم.<sup>۳</sup>

## اهمیت و آثار اجتماعی عدالت اقتصادی:

هدف رسالت پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام بیان احکام و قوانین الهی، و تعلیم و تزکیه برای اقامه عدل و قسط در بین مردم بوده و در آیات فراوانی از قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام به این نکته اشاره شده است، از جمله « به راستی {ما} پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کریم و با آن ها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به عدل بر خیزند»<sup>۴</sup>

عدالت اقتصادی، ویژگی بسیار مهم دولت اسلامی است و در کنار تقوا، شاخص جامعه اسلامی به شمار می رود.

۱ www. Toupie. Org.Dictionnaire economic

۲ دکتر نعمت الله صفی فروشانی، حیات اقتصادی امامان از صلح امام حسن تا آغاز غیبت صغری، ، سبحان، ص ۵.

۳ عسگر، عدالت اقتصادی در کلام و سیره علی (ع)، مجله حوزه و دانشگاه، ص ۲۷۰

۴ حدید آیه ۲۵

## آثار اجتماعی عدالت اقتصادی:

۱. کاهش فقر و فاصله طبقاتی بین مردم یک جامعه

از بین بردن فقر و محرومیت، از بهترین دستاوردهای عدالت اقتصادی از دیدگاه حضرت علی علیه السلام است. آن حضرت در دومین روز به دست گرفتن حاکمیت خود، در نخستین خطبه حکومتی‌اش، عمده‌ترین محور برنامه‌های حکومت خود را رفع فقر و محرومیت و اجرای عدالت بیان کرد. بر اساس آموزه‌ها و منابع دینی، فقر، ویژگی ذاتی انسان نیست که بتوان آن را طبیعی شمرد، بلکه پدیده‌ای است عارضی مانند دیگر پدیده‌های اجتماعی که باید ریشه‌یابی و درمان شود. در اندیشه دینی، فقر درمان شدنی است و باید برطرف شود.

۲. گشایش و توسعه شهرها و کمک به ستمدیدگان

از محوری‌ترین عوامل پذیرش خلافت مولای متقیان علیه‌السلام، به یاری شتافتن ستمدیده است. حضرت در این باره قسم یاد می‌کند: «أَمَا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحَجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَّا يُقَارُوا عَلَى كِظَّةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعَبِ مَظْلُومٍ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِيَّهَا: به خدایی که دانه را کفید (شکافت) و جان را آفرید، اگر این بیعت‌کنندگان نبودند و یاران، حجت بر من تمام نمی‌نمودند و خدا علما را نفرموده بود تا ستمکار شکمباره را برنتابند و به یاری گرسنگان ستمدیده بشتابند، رشته این کار از دست می‌گذاشتم و پایش را چون آغازش می‌انگاشتم و چون گذشته خود را به کناری می‌داشتم.»<sup>۱</sup>

۳. اصلاح مردم

امام علی علیه السلام عدالت را عامل اصلاح مردم می‌داند، و در این رابطه می‌فرماید: «العدل يصلح البرية؛ اجرای عدالت مردم را اصلاح می‌کند.»<sup>۲</sup>

سایر آثار اجتماعی عدالت اقتصادی عبارتند از:

- حفاظت از بیت المال و تقسیم عادلانه آن بین مردم جامعه
- رسیدگی به امور طبقه فرودست جامعه
- افزایش برکات
- تأمین رفاه همه اقشار جامعه
- قوام اجتماعی جامعه
- حفظ کرامت و انسانیت

۱ سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه، محمد دشتی خطبه ۳، ص ۵۰

۲ عسگر، عدالت اقتصادی در کلام و سیره علی (ع)، مجله حوزه و دانشگاه، ص ۲۷۰.

- آرامش و سعادت مردم
- نگهداری حکومت
- آبادانی و نزول برکات برای مردم
- امنیت اقتصادی
- تساوی در توزیع امکانات برای نقاط مختلف کشور
- تعادل اجتماعی
- بازگرداندن حقوق غصب شده<sup>۱</sup>

### راهکارهای سیاسی تحقق عدالت اقتصادی در حکومت امام علی علیه السلام:

#### ۱. انتخاب کارگزاران شایسته

هر نظام حکومتی کارگزاران و مدیرانی خاص را شایسته می‌داند. چنانچه حکومت دینی از کارگزارانی مناسب و آراسته به ارزش‌های الهی بهره‌گیرد در انجام دادن مسؤلیت‌هایش توفیق می‌یابد. وجود کارمندان و مدیران تهی از ارزش‌های الهی و آلوده به صفات زشت و شیطنانی از آفات نظام دینی به شمار می‌آید. این کارگزاران، افزون بر ناکارآمد ساختن نظام، الگوی جمعی از مردم می‌شوند و آن‌ها را سمت آلودگی اخلاقی پیش می‌برند، چنان‌که چهره آشکار نظامند و با کردار نادرستشان سبب نومیدی مؤمنان و شادی دشمنان می‌گردند.

حضرت علی علیه السلام در آغاز خلافت، والیان عثمان را، که غالباً از خویشاوندان وی و از بنی امیه بودند، بر کنار کرد و به جای آن افراد صالح را منصوب کرد که عبارت بودند از: عثمان بن حنیف فرماندار بصره، عماره بن شهاب فرماندار کوفه، عبیدالله بن عباس فرماندار یمن، قیس بن سعد فرماندار مصر و سهل بن حنیف فرماندار شام. جز سهیل بن حنیف، دیگر فرمانداران منصوب آن حضرت، موفق به ورود به حوزه‌های مأموریتی خود شدند<sup>۲</sup>. امام علی علیه السلام در عهدنامه‌ی مالک اشتر ملاک‌هایی برای کارگزاران معرفی کرده و به مالک اشتر فرمان می‌دهد که در عزل و نصب‌ها به این معیارها توجه نماید. «کار مسؤل و کارگزارانت را به دقت زیر نظر بگیر و با آزمون صحیح آنها را به کار گیرد نه با نظر شخصی نه با خود محوری، زیرا آنها از ستم و خیانت به دور نیستند و افرادی با تجربه و با حیاء را جست‌وجو کن که از خاندان‌های صالح و پیش‌گام در اسلام باشند، چه اینان از نظر اخلاق بر جسته‌ترین و از جنبه حیثیت با اعتمادترین و کم‌تر در قید طمع کاری بوده و در عواقب کارها باریک بین ترند. آن‌گاه به حد کافی مخارج آنها را تأمین کن که این خود امکان می‌دهد».

۱ همان، ص، ۲۷۰.

۲ ابوی جعفر محمد بن حریرطبری، تاریخ طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۳، ص ۴۶۲.

دهد که در اصلاح خویش بکوشند و از تصرف در اموالی که متعلق به زیردستانشان می باشد بی نیاز گردند و حجت را بر آنان تمام می کند که عذری برای مخالفت به امر تو ، یا خیانت به امانت تو نداشته باشند.<sup>۱</sup>

حکومت ، امانتی در دست کارگزاران است که باید به خوبی آنها را پاس داشته و ابزاری برای گسترش عدل و حق قرار دهند، نه آن که وسیله ای برای تسلط بر مردم و غارت اموال عمومی قرار گیرد، و این در صورتی میسر است که کارگزاران حکومت از اخلاق شایسته و پسندیده برخوردار باشند . حکومت حضرت علی علیه السلام تمام توان خود را برای خدمت به مردم به کار گرفت و کوشید فساد اداری بر جای مانده از گذشته را از بین ببرد. امام علی علیه السلام در مدت کمتر از پنج سال حکومت ، در راه اصلاح رابطه کارگزاران با مردم ، گام های مثبتی برداشت و بنیان حکومت مردم را پی ریخت. بر کناری کارگزارانی که خود را در تصرف بیت المال و تجاوز به حقوق مردم تام الاختیار می دانستند و گماردن کارگزاران جدید مورد اعتماد و دارای حسن سابقه ، گام های مثبتی در جهت فراهم سازخشونودی مردم بود و زمینه را برای اجرای احکام حیات بخش اسلام و احقاق حق و اجرای عدالت اقتصادی فراهم ساخت .

امام علیه السلام ضوابطی را در گزینش کارگزاران و اصلاح رفتار آنها ارائه داد و آنان را به ویژگی های اخلاقی شایسته سفارش به پیراستن خود از ناشایستگی ها و افات اخلاقی ترغیب کرد.<sup>۲</sup>

یکی از وظایف مهم کارگزاران حکومت حضرت اجرای عدالت بود . شناخت عدل با عمل به قانون و شرع و جلوگیری از ستم افراد به یکدیگر و کیفر متجاوزان به حقوق دیگران میسر می شود . امام علی علیه السلام همیشه کارگزاران خود را به این امر مهم سفارش ، و آنان را به عدل و انصاف فرا می خواند. از نظر حضرت بهترین سیاست ها عدل است و شهرها به چیزی مانند عدل آباد نمی شود و با عدالت قوام و توانایی رعیت حفظ می شود . این که نمونه هایی از سفارش های حضرت را ضرورت عدلگرایی و عدالت گستری نقل:

در عهد نامه مالک اشتر :

باید محبوب ترین کارهای نزد تو آن باشد که به حق نزدیکتر و عدل در آن گسترده تر است ... آن چه پیش تر از همه ، دیده کارگزاران حکومت را روشن می کند ، بر قراری عدالت در شهرها و پیدایش دوستی میان مردم است<sup>۳</sup>

دومین سفارش امام علی علیه السلام به ابن عباس ، هنگام گماردن وی به استانداری بصره ، پس از دعوت به تقوا ، برقراری عدالت میان مردم است : ای فرزند عباس ! بر تو باد تقوای الهی و عدالت در حق کسانی که بر آنها حکومت داده شدی و باید با مردم چهره ای باز رو به رو شوی و آنان را در مجلس خود جای دهی و با بردباری با آنان برخورد کنی

۱ سید رضی نهج البلاغه، ترجمه، محمد دشتی خطبه ی ۵۳، ص

۲ علی اکبرذاکری ، اخلاق کارگزاران، انتشارات کانون اندیشه جوان تهران ، ۱۳۸۷، ص ۱۲.

۳ سید رضی، نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۵۶۷.



در عهدنامه ای که به محمد بن ابی بکر نوشته :  
و او را فرمانداد به نرمی با مسلمان و خشونت با تبه کار و عدل با اهل ذمه و انصاف با ستم دیده و سختگیری بر ستمکار و گذشت از مردم. ۱.

و مال را دو بخش نما و صاحب مال را مخیر گردان و هر بخش را برگزید ، بپذیر ، پس هنگامی که پذیرفت ، برانتخاب او خرده مگیر . آن گاه مانند آن را دو بخش کن و او را مخیر گردان و هر بخش را مانع او مشو! پس پیوسته چنین کن تا آنچه از مال او باقی می ماند کافی به خدا در مال حق خدا در مال او باشد. پس حق خدا را از او بگیر. و خواهد آنچه را که قسمت او شده به زند بپذیر! سپس هر دو بخش را در هم آمیز و مانند بار اول قسمت کن ، تا حق خدا را از مال او بستانی ۲.

تا این که ما به دستور کتاب خدا و سنت پیامبر او ، آن را پخش کنیم تو را بسیار گرداند و رستگاری ات نزدیکتر است ، اگر خدا بخواهد ۳

در گذشته ، ثروتمندان و شخصیت‌های معروف که دارای مقام و منزلتی در جامعه بودند ، از پرداخت مالیات ، معاف بودند، در حالی که کشاورزان که از قشرهای ضعیف جامعه بودند ، مالیات می پرداختند. وقتی اسلام آمد ، این حالت را دگرگون کرد و مالیات را به میزان سرمایه و اموال هر شخص معین کرد و هر کس سرمایه بیشتری داشت ، مالیات بیشتری می پرداخت ،<sup>۴</sup> از این رو امام علی به زیادبن ابیه می فرماید عدالت را کار بند و از ستم و بیداد حذر کن.<sup>۵</sup>

از رفتار های نا پسند و بزه های اجتماعی و اقتصادی رشوه خواری است که سبب تضییع حقوق مردم و از بین رفتن عدالت در جامعه می شود . قاضی اگر در داوری های خود منتظر دریافت رشوه باشد و با دریافت آن ، حکم الهی را زیر پا نهد ، فساد و ستم بسیاری را در پی خواهد داشت . حضرت رشوه گیری را یکی از صفات ناپسند می شمارد و می فرماید: والی نباید برای داوری رشوه بگیرد ، زیرا حقوق مردم را پایمال ، و هنگام اجرای حدود الهی توقف می کند.<sup>۶</sup>

۱ علی اکبر ذاکری ، سیمای کاگزاران علی بن ابی طالب ، ج سوم ، نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ، قم ، ۱۳۸۴ ، ص ۲۴

۲ همان ، ص ۲۲۷

۳ ، سید رضی ، نهج البلاغه ، ترجمه شهیدی ، نامه ۳۸۰ ، ص ۲۸۶.

۴ دکتر سید محسن حائری ، اندیشه های اقتصادی در نهج البلاغه ، ترجمه دکتر آل بویه نسکروری ، انتشارات بنیاد نهج البلاغه ، چاپ

دوم ، ۱۳۸۶ ، ص ۷۳

۵ همان ، نامه ۲۵

۶ همان ، خطبه ۱۳۱ ، ص ۲۴۷

باز هم می فرماید: با سکوت بسیار ، وقار انسان بیشتر شود ، و با انصاف بودن ، دوستان را فراوان کند ، و با بخشش ، قدر و منزلت انسان بالا رود، و با فروتنی ، نعمت کامل شود ، و با پرداخت هزینه ها ، بزرگی و سروری ثابت گردد، و روش عادلانه ، مخالفان را درهم شکند ، و با شکیبایی در برابر بی خردی یاران انسان زیادگردند.<sup>۱</sup> این خطبه امام درباره شخصی ، اشعث بن قیس بوده که شبانه حلوایی برای حضرت آورد. حضرت پرسید: این بخشش است یا زکات یا صدقه مستحبی ؟ اگر این ها است بر ما اهل بیت حرام شده.

پاسخ داد: این هدیه است . حضرت فرمود : مادرت به عزایت بنشیند ! آیا می خواهی از راه دین خدا مرا فریب دهی ؟ آیا حواس پرتی داری یا جن زده ای یا سخن بیهوده می گویی ؟ به خدا سوگند اگر اقلیم های هفتگانه و آن چه را در سایه آن ها است به من بدهند ، برای این که درباره مورچه ای خدا را معصیت کنم تا پست جوی را از او بگیرم ، چنین نخواهم کرد. این گونه هدایا برای کارگزاران زکات ، چون برای دریافت زکات می رفتند و به آنها داده می شود . پیامبر نیز هدایا را حرام دانسته است " هر که را برکاری گماردیم و حقوق برایش معین ساختیم اگر بیش از آن چیز است.

امیرالمؤمنان علیه السلام به گونه های مختلف و با تعابیر گوناگون ظلم کاگزاران را از آن برحذر داشته است . برای اصل ظلم دو معنا ذکر کرده اند : یکی نقص<sup>۲</sup> که در سوره کهف به همین معنا آماده است<sup>۳</sup> و دیگر به معنای نهادن چیزی در غیر جایگاه خود<sup>۴</sup>، پس کسی که مشرک است و غیر خدا را می پرستد ، عبادت و اعتقاد خود را بر چیز درستی استوار نساخته است .

حاکمی که به رعیت خود ستم روا دارد . زمینه سقوط خویش را فراهم می سازد . ستم ، طغیان و مخالفت مردم را در پی دارد و بدین رو امام علی علیه السلام از مالک اشتر می خواهد همکاران خود را از کسانی برگزیند که قبلاً همکار ستمگاران نبوده اند . کسی نباشد که ستمگران در ستمش یاری کرده باشد کسی نباشد که ستمگر را در ستمش یاری کرده باشد<sup>۵</sup>

حضرت ستم را نوعی ویژگی روانی برای افراد می داند و برای آن سه نشانه بر می شمرد: ستمکار را سه نشانه است : برآن که برتر از او است ، ستم کند به نافرمانی ، و بر آن که فروتر از او است به چیرگی و آزار رسانی و ستمکاران را یاری رساند<sup>۶</sup>

۱ همان ، خطبه ۲۲۴، ص ۶۷۷

۲ سید علی خان حسینی مدنی شرازی ، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین ، تحقیق محسن الحسینی الامینی ، ج ۲ ، ص ، ۴۸۵

۳ قرآن، سوره کهف ، آیه ۳۳

۴ همان ، ج ۲، ص ۴۸۵

۵ ، سید رضی ، نهج البلاغه ، ترجمه محمددشتی ، حکمت ۳۵۰، ص ۷۱۳.

۶ همان، حکمت ۳۵۰، ص ۷۱۳.

از دیدگاه امام علی علیه السلام کسی که ستم کند و شخص که به او یاری برساند و آن که به ستم راضی باشد، هر سه در جرم شریکند، زیرا این گونه رضایت ها زمینه را برای ستم فراهم می سازد. خداوند اگر به ستمگر مهلت دهد، مؤاخذه وی را ترک نمی کند و همیشه در کمین او است<sup>۱</sup> ستم از گناهی است که ستمگر، عقوبت آن را در دنیا می یابد، حضرت درباره برخورد خداوند با کارگزاران ستمگر در آخرت می فرماید:

بدان هر کسی بر ده نفر از مسلمانان ریاست بیابد و در میان آنها عدالت را پیشه خود نسازد، خداوند روز قیامت او را در حالی محشور می کند که دو دست او به گدش بسته باشد. تنها عدالت خواهی او در خانه دنیا، دست هایش را باز می کند.

از این رو خوابیدن بر روی خار و کشیده شدن به این سو و آن سو در طوق های آهنین، برای علی خوش تر است از آن که در روز قیامت بر خدا و رسولش وارد شود، در حالی که بر یکی از بندگان خدا ستم کرده و چیزی را به نا حق گرفته باشد<sup>۲</sup>

او نه تنها ستم نمی کند و یاران خود را از ستم باز می دارد، بلکه یاران خویش را از هرگونه رفت و آمد با دستگاه های ستمگر نهی می کند از جمله کمیل بن زیاد را از هرگونه اختلاط با ستمگران باز می دارد.<sup>۱</sup> در بیانات امام علی علیه السلام برای ظلم مصادیق دیگری نیز مطرح شده که آن حضرت کارگزاران حکومت را از آن ها نیز نهی فرموده و در مواردی پیامدهای منفی آنها را متذکر شده است. امام علیه السلام در نامه به مالک هنگامی که از تعیین قیمت ها سخن می گوید، می فرماید: باید قیمت ها به گونه های تعیین شود که به مالک و مشتری زیانی نرسد و قیمت ها عادلانه باشد.<sup>۳</sup>

امام علی علیه السلام در این مورد در ارتباط با رفتار نامطلوب یکی از کارگزارانش که در اموال عمومی خیانت کرده بود با عتاب و خطاب او را بریده از حق و خائن شمرده و می فرماید: «از خدا بترس و اموال عمومی را به آنان بازگردان که اگر چنین نکنی و خدا به من فرصت دهد و به درگاه خدا نسبت به تو عذر آورم، با شمشیر ضربه ای به تو خواهیم زد که به هر کس ضربه زدم وارد جهنم شد.»<sup>۴</sup> در این سخنان امام علی علیه السلام نکاتی نهفته است که توجه به آن راهگشای اداره جامعه اسلامی ما خواهد شد.

الف - کارگزاران خائن باید خیانت خود را جبران کنند.

ب - حاکم در برابر کارگزارانش مسئول است و پاسخگوی رفتار آنان در پیشگاه مردم و خدا می باشد.

ج - برای این که کارگزاران مواظب رفتار خود باشند، خائن باید به نحو شدید مجازات شود.

۱ همان، خطبه ۹۷، ص ۱۷۹.

۲ سید رضی، خطبه ۲۲۴، ص ۴۵۹.

۳ همان، نامه ۵۳، ص ۵۶۷.

۴ همان، نامه ۴۱، ص ۵۴۷.

## ۲. ایجاد امنیت

بر قراری امنیت در سرحدات و داخل کشور، همواره از دغدغه های اصلی دولت ها است. بنابراین امام علی علیه السلام فلسفه تشکیل حکومت را برقراری امنیت بر می شمارند و می فرمایند: «عدل، مایه حیات جوامع انسانی است (امنیت، آسایش زندگی راحت)»<sup>۱</sup>

«به واسطه عدالت روزی من، امنیت و عافیت برای شما فراهم شد.»<sup>۲</sup>

«مردم به زمامدار نیاز مندند، خواه نیکو کار باشد یا بدکار، تا مؤمنان در سایه حکومتش به کار خویش مشغول و کافران هم بهره مند شوند و مردم در دوران حکومت او زندگی را طی کنند و به وسیله او اموال بیت المال جمع آوری گردد و به کمک او با دشمنان مبارزه شود، جاده ها امن و امان، حق ضعیفان از نیرومندان گرفته شود، نیکو کاران در رفاه و مردم از دست بدکاران در امان باشند.»<sup>۳</sup>

مردم در اموالشان امنیت داشته باشند و دولت با مدارا و رعایت عدل و انصاف و با توجه به دیگر اخلاق پسندیده ی اسلامی، از آنان مالیات و زکات اخذ نماید. و نیز احتکار کالا (به ویژه کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم) نباشد و نیز در خریدها و فروش ها قیمت ها متعادل باشد.<sup>۴</sup>

امیر مؤمنان علی علیه السلام به یکی از مأموران جمع آوری زکات و مالیات این فرمان را صادر نمود:

«باتقوا و با احساس مسؤولیت در برابر خداوند یکتا حرکت کن. و در این راه هیچ مسلمانی را مترسان. و بر سرزمین او ناخشنود مگذر. بیش از آنچه از حق خداوند در اموالش هست از او مگیر.

پس آن گاه که به آبادی قبایل رسیدی در کنار آب فرود آی و داخل خانه های مردم مشو.

پس با آرامش و وقار به سوی آنان برو، تا در میان آنان قرارگیری؛ به آنان سلام کن و از اظهار تحیت بخل موز.

پس از آن به آنان بگو: ای بندگان خدا، مرا ولی خدا و خلیفه اش به سوی شما فرستاده است تا حق خدا را که در اموالتان است، بستانم؛ آیا در اموال شما حقی از خدا هست که آن را به نماینده اش بپردازید، اگر کسی گفت: نه، دیگر به او مراجعت مکن. و اگر کسی پاسخ داد: آری، همراهش برو؛ اما نه اینکه او را بترسانی یا تهدید کنی، یا او را به کار مشکلی مکلف سازی.

۱ علی اکبر رشادو غیر، دانشنامه امام علی، اقتصاد جلد هفتم، ص ۷۴

۲ سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه، محمد دشتی، خطبه ۸۷، ص ۱۴۷.

۳ همان، خطبه ۴۰، ص ۹۳.

۴ ناصر جهانیان، امنیت اقتصادی، مجموعه چشم انداز امام علی (ع)، دفتر سی و یکم، مقدمه.

هرچه از طلا یا نقره به تو داد، بستان؛ و اگر دارای گوسفند یا شتر بود، بدون اذن او داخل آن مشو، چون که بیشتر آن ها از آن او است.

و آن گاه که داخل شدی همچون شخصی مسلط و سختگیر رفتار مکن...»<sup>۱</sup>

و نیز در عهدنامه ی مالک اشتر چنین متذکر شده است:

«تجار و صاحبان صنایع را به نیکی سفارش نما و در این توصیه بین بازرگانانی که در شهر و یا ده هستند و دارای مرکز ثابت و تجارت خانه اند و آنانی که سیار و درگردشند و نیز صنعتگرانی که با نیروی جسمانی خویش به صنعت می پردازند، تفاوت قائل مشو. چرا که آنان منابع اصلی منافع و اسباب آسایش جامعه به شمار می آیند. آنان هستند که از سرزمین های دور دست، از پرتگاه ها و کوهستان ها و دریاها و سرزمین های هموار و ناهموار مواد مورد نیاز را فراهم می آورند. و از مناطقی که عموم مردم با آن سر و کاری ندارند و جرأت رفتن به آن سامان را نمی کنند، این ها سر و کار دارند.

توجه داشته باش که بازرگانان و پیشه وران و صنعتگران مردمی سالم و خوب هستند و از نیرنگ و شورش آنان بیمی وجود ندارد.

آنان صلح دوست و آرامش طلبند. اما باید از وضع آنان چه آنانی که در مرکز فرمانداری تو زندگی می کنند و چه آنانی که در گوشه و کنار هستند، جستجو و بازرسی نمایی؛ ولی آگاه باش، با وجود همه ی آنچه که درباره ی آنان گفتم، در میان آنان گروهی تنگ نظر و بخیل آن هم به صورت قبیح و زشت آن، وجود دارد. که همواره در پی احتکار مواد مورد نیاز مردم و تسلط یافتن بر تمام معاملات هستند. و این موجب زیان توده های مردم و عیب و ننگ بر زمامداران است.

از احتکار به شدت جلوگیری کن که رسول خدا ﷺ از آن منع کرده است. باید معاملات با شرایط آسان صورت گیرد. با موازین عدل و نرخ هایی که نه به فروشنده زیان رساند و نه به خریدار. و هرگاه کسی پس از نهی تو از احتکار به چنین کاری دست بزند، او را کیفر کن و در مجازات او بکوش ولی این مجازات نباید بیش از اندازه باشد.»<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام در مسیر برقراری این امنیت به کارگزارانش فرمان صادر کرد که اگر سلاح و ابزار آلات جنگی در دست اقلیت های مذهبی (و در دست آنانی که بیم حمله به مسلمانان می رود) وجود داشته باشد. و در نتیجه امنیت ملی متزلزل شود، آن ها را مصادره کنند؛ تا خطر تجاوز از سوی اقلیت های داخلی زوده گردد.

۱ ، سید رضی ، نهج البلاغه ، ترجمه محمددشتی ، نامه ۲۵ ، ص ۵۰۵

۲ همان ، نامه ۵۳ ، ص ۵۶۷

حضرت در نامه ای به یکی از کارگزارانش چنین می نویسد:

«... هم چنین برای جمع آوری بیت المال به مال هیچ فردی، چه مسلمان و چه غیر مسلمان که در پناه اسلام است، دست نزنید. مگر اینکه اسب یا اسلحه ای باشد که برای تجاوز به مسلمانان به کار گرفته می شود؛ چون که برای مسلمان روا نیست که بگذارد چنین اسلحه ای در اختیار دشمنان اسلام باشد و در نتیجه آنان نیرومندتر از سپاه اسلام گردند (و امنیت جامعه ی مسلمانان به خطر افتد).<sup>۱</sup>»

ه نیست. باطل آن است که بگویی شنیدم و حق آن است که بگویی دیدم.<sup>۲</sup>»

و نیز فرمود:

«... خدا احترام مسلمان را از تمام آن چه در پیشگاهش محترم است، بالاتر شمرده و حفظ حقوق مسلمانان را به وسیله ی اخلاص و توحید، تضمین کرده است.

مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبانش در امان باشند، مگر آن جا که حق اقتضا کند. و آزار رساندن به هیچ مسلمانی جز در مواردی که موجهی (به حکم خدا) داشته باشد، روا نیست.<sup>۳</sup> و نیز به مسلمانان سفارش کرد، که خودتان بکوشید تا آبروی خویش را نریزید.

و خودتان برای امنیت فرهنگی خویش چاره سازی کنید.

فرمود:

«هر که به آبروی خویش علاقه دارد، باید از بحث های لجاجت آمیز با مردم را ترک نماید.»<sup>۴</sup>»

«هماهنگی با اخلاق، آداب و رسوم مردم در موارد مشروع مایه ی امنیت است.»<sup>۵</sup>»

### ۳. تغییر مرکز خلافت

انتقال مرکز خلافت از مدینه به کوفه، از مسائل تأثیر گذار بر تحقق عدالت اقتصادی حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام بود. وجود اصحاب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مدینه، رسوخ قریش در ارکان حکومتی مدینه، نارضایتی آنان از تقسیم بالسویه ی بیت المال از سوی امام عَلَيْهِ السَّلَام موجب می شد که آن حضرت بتواند به اصلاحات خود در مدینه

۱ همان، نامه ۵۱، ص ۵۴۳.

۲ همان، خطبه ۱۴۱، ص ۲۶۱.

۳ همان، خطبه ۱۶۷، ص ۳۱۹.

۴ حسن لنگرودی، مجله فرهنگ کوثر، امام علی عَلَيْهِ السَّلَام و امنیت ملی، شماره ۴۸، اسفند ۱۳۷۹،

همان ۵

بپردازد. از این رو، مرکز خلافت خود را به کوفه انتقال داد که ساکنان آن بیشتر اعراب غیر قریشی و ایرانیان تازه مسلمانان بودند که آما دگی پذیرش اسلام را داشتند. نکته دیگر این است که در صورت حمله شامیان به مدینه، به دلیل عدم نیروی مؤثر، فراهم نمودن چنین نیروی ی به مقدار زیادی امکانات نیازمند بود. اما کوفه از این جهت شاید می توانست در مقابله با مشکلات، تحمل اقتصادی بیش تری داشته باشد. وجود نیروی انسانی و امکانات مالی در عراق از عوامل هجرت حضرت ﷺ به این شهر بود تا بلکه این منطقه ی ثروتمند به چنگ معاویه نیفتد. امام به راحتی می توانست از عراق نیروهای آماده و با تجربه ی نظامی را، که در اکثر فتوحات شرکت داشته و کار آزموده بودند، در اختیار بگیرد و با معاویه و در دیگر مخالفان به مقابله بپردازد. به خوبی می توان دریافت که در صورت عدم توجه حضرت به موقعیت عراق، این نیروی مناسب به چنگ مخالفان می افتاد. از جنبه ی اقتصادی، انتقال از مدینه به کوفه که به مقتضای شرایط سیاسی و اجتماعی صورت گرفت، مرکزیت جغرافیایی مناسب تری را برای پایتخت و مقر بیت المال پس از فتح کشور های عراق، شام و ایران غیره ایجاد کرد و ارتباط سریع با مرکز و بیت المال هر ولایتی را که با آغاز فتوحات شکل گرفته بود،

زندگی نامناسب مسلمانان غیر اعراب عراق و رسیدگی به وضع آنان به ویژه در کوفه و سایر شهرها، انگیزه ی دیگر هجرت امام علی (ع) از مدینه به کوفه است. امام بر خلاف دیگران، زمینهی حضور و شرکت موالی و نو مسلمانان عجم را در اداری امور حکومت فراهم نمود، زیرا در نگاه او، انسان ها از هر رنگ و نژاد بر اساس تعالیم اسلام با یکدیگر تفاوتی ندارند. بنابراین برای برخوردار ساختن تمامی این مسلمانان از حقوق و مواهب الهی و انسان و عدالت اجتماعی، به کوفه هجرت کردند که در مدینه با حضور قریش، صاحب رأی، و بدعت های فراوان خلفای پیشین در این شهر، هر گز برای این مردم این گونه رفتار مساوات طلبانه ی حضرت قابل قبول نبود.<sup>۱</sup>

بنابراین یکی از سیاست گذاری مهم امام رسانیدن اموال به تمامی مسلمانان و ایجاد عدالت اقتصاد بود. این امر آن گاه تحقق عملی می یافت که امام ﷺ هجرت نماید، نه مانند دیگر خلفا در مرکز حکومت بماند و از دور نظاره گر باشد.<sup>۲</sup>

نتیجه

سیاست عاملی مهم برای پیشرفت اقتصاد جامعه ای است زیرا اگر سیاست حکومتی فاسد باشد اقتصاد آن هم فاسد می شود، لذا حضرت نگاه ویژه به امور سیاسی حکومتش قبل از مباحث اقتصادی داشت و می دانست

۱ جهان بخش ثواب، سیره سیاسی نظامی اقتصادی و مردم داری، سیره علوی در دوران خلافت، قم، ۱۳۹۰، ص ۱۴۲-۱۴۳.

۲ همان، ص ۱۴۲-۱۴۳

که جامعه بدون امنیت کافی نمی تواند به عدالت اقتصادی مورد نظر برسد برای این حضرت برای تمام اقشار مردم ایجاد امنیت قرار داده است .

## راهکارهای اجتماعی تحقق عدالت اقتصادی امام علی علیه السلام:

### ۱. تقسیم عادلانه بیت المال

تقسیم بیت المال به طور مساوی از جمله راه کار است که حضرت علی علیه السلام به پیروی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و با اهداف خاص انجام می داد. تغییراتی که خلفای سه گانه در سنت های پیامبر پدید آورده بودند<sup>۱</sup>، برای بسیار از قابل هضم و قبول نبود و معمولاً از امام علی علیه السلام گله می کردند، ولی امام برای تحقق عدالت اقتصادی و انجام دستور های الهی ذره ای مسامحه نمی کرد. در منابع روایی آمده است: زمانی دو زن، یکی از اعراب و دیگری از عجم برای دریافت سهم خود خدمت حضرت رسیدند. حضرت به هر کدام ۲۵ درهم و یک پیمانه غذا دادند. زن عراب اعتراض کرد که: ای امیر مؤمنان! من از عرب هستم و او کنیزی از عجم. آیا هر دو باید مساوی دریافت کنیم؟ حضرت فرمود: در تقسیم این اموال ترجیحی بین فرزندان اسماعیل و اسحاق نیست. شیوه ی تقسیم بیت المال: روش امام علی علیه السلام در تقسیم بیت المال که با روش خلفا متفاوت بود بر محور های زیر قرار داشت:

۱. تقسیم مساوی اموال بین تمامی مردم
۲. تعجیل در تقسیم اموال بیت المال
۳. عدم تبعیض میان مردم با خویشاوندان
۴. قاطعیت در برخورد با حیف و میل اموال و تقسیم آن.

از دیدگاه امام علی علیه السلام بایستی تقسیم بیت المال به صورت عادلانه و مساوی در بین مردم باشد و اگر رهبری نتواند این کار را انجام دهد حق رهبری و زعامت را ندارد. ایشان تقسیم عادلانه ی بیت المال را از حقوق مردم بر رهبری جامعه دانسته است و همه ی مردم را در برابر قانون مساوی می داند و صدقات را صرف اصناف خاصی که در قرآن ذکر شده می داند و فیء را به نحو مساوی بین مردم تقسیم می کرد. شواهد این رفتار عادلانه در امور مالی، در کتب تاریخی فراوان است که می توان به آنها مراجعه نمود.

حضرت همانند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، سعی داشت اموال که وارد بیت المال می شود بی درنگ بین مردم تقسیم شود و در هیچ مالی را در بیت المال نگه نمی داشت. این امر (تعجیل در تقسیم بیت المال) موجب پخش تدریجی اموال در جامعه و تسریع در رفع نیاز مندان و مردم می شود و لذا به رفع فقر عمومی کمک شایانی

بررسی راه کارهای تحقق عدالت اقتصادی با الگوگیری از حکومت حضرت علی علیه السلام

۱. علی اکبر رشاد و غیر، دانشنامه امام علی علیه السلام ج هفتم اقتصاد، ص ۸۳.



می نمود و عدالت اقتصادی را در جامعه گسترش و تحقق می داد. همچنین برخلاف رویه‌ی خوشاوند گرایی دوره‌ی عمر و عثمان، آن حضرت نسبت به اطرافیان و خاندان خود در استفاده از اموال عمومی به مراتب بیشتر از سایر مسلمانان سخت گیرتر بود. برخورد ایشان با برادرش عقیل که تقضای سهمیه بیش تر ی از بیت المال داشت یا با دختر خویش در قضیه ی برداشتن گردنبند به رسم عاریه ی مضمونه ، و مواردی دیگر ، نشان دهنده ی اهتمام فوق العاده ی ایشان به مسأله بیت المال و عدم دخالت رابطهی خویشاوندی در تقسیم آن بوده است.

حضرت علی (ع) نسبت به حیف و میل بیت المال توسط کارگزاران حکومتی با قاطعیت عمل می کرد. متخلفان را سختی مورد مؤاخذة و بازخواست قرار می داد. نامه های چندی از ایشان صادر شده که در نکوهش و توبیخ کارگزاری است که به بیت المال دست داری کرده و خیانت نموده اند. شدید ترین سرزنش ها در این نامه ها به این دسته از عاملان نافرمان که اموال عمومی را خراج خود یا خاندان خویش نموده اند صورت گرفته است. بدین ترتیب یکی دیگر از سنت های فراموش شده ی پیامبر (ص) را احیاء نمودند. امام علی (ع) علاوه بر این در مصرف بیت المال نیز بسیار محتاط بودند تا حقی از مسلمانی ضایع نشود و یا از بیت المال جهت منافع شخصی استفاده نگرند. شاید یکی از دلایل تعجیل در تقسیم بیت المال نیز همین مسأله باشد. حکایت خاموش کردن چراغ بیت المال هنگام حضور افرادی که حاجت شخصی داشتند، و عدم استفاده از حوله ی بیت المال در شب سرد و مواردی دیگر، نمونه هایی است از احتیاط آن حضرت در مصرف بیت المال و در واقع راهی دیگر است در اصلاح امور مالی. ایشان، نه تنها خود در این امر محتاط بودند بلکه به کارگزاران خویش نیز دستور می داد « نوک قلم های خود را تیز کنید، خطوط را نزدیک به هم ننویسید و کلمات اضافی را برای من ننویسید و به معانی توجه کنید و از زیاده روی پرهیز کنید، زیرا اموال مسلمانان تحمل ضرر را ندارد.» با این آموزش های امام (ع) هم به صورت نظری و هم عملی با رفتار خود استفاده ی صحیح از بیت المال را به کارگزاران و به مردم می شناساند و در واقع راه قریش و کارگزاران خود را در حیف و میل اموال عمومی می بست و با فرامین و دستور های صادره، اعتدال اقتصادی را در جمعه گسترش داده و خیال مردم را از بابت اموال عمومی و استفاده ی صحیح از آن راحت می کرد. بدین ترتیب جامعه ای که بر اثر مصرف بی رویه و بدون نظارت بیت المال، حقی قشر ضعیف جامعه را ضایع می کرد، با سیره ی عملی امام علی (ع) تکلیف خود را بهتر می دانست و با توزیع سریع و تقسیم عادلانه ی بیت المال و مصرف محتاطانه آن، اقشار محروم جامعه می توانستند زودتر و بیش تر به حقوق خود دست یابند.<sup>۱</sup>

روش ابوبکر در توزیع بیت المال: در زمان ابوبکر، مدیریت بیت المال نظم به نسبت خوبی داشت. وی چیزی را در بیت المال ذخیره نمی کرد و در میان مردم به مساوات رفتار می کرد. ابو عبید در روایتی نقل می کند: گروهی با ابوبکر درباره تبعیض بین مردم در تقسیم بیت المال سخن گفتند. ابو بکر گفت: فضایل مردم در پیشگاه خداوند محفوظ است، اما این معاش اگر با مساوات تقسیم شود، بهتر است.

۱. دکتر جهان بخش ثوب، سیره سیاسی نظامی اقتصادی و مردم‌داری سیره علوی در دوران خلافت، نشر حبیب، نوبت اول، ص

در مجموع می توان گفت که شیوه تقسیم بیت المال در زمان ابو بکر، با آن چه در زمان پیامبر معمول بود، در بسیار از جهات، تغییری نکرد. یکی از موارد اختلاف روش او با سیره پیامبر در تقسیم خمس و فیه بود. روش عمر در تویع بیت المال: او نیز ابتدا به روش ابو بکر عمل میکرد، اما پس از آن که غنایم بسیاری تصیب مسلمانان شد، به تأسیس دیوان و تشکیلات رسمی بیت المال اقدام کرد. او در آمدهای عمومی مسلمانان را در بیت المال گرد می آورد و در پایان هر سال، با تفاضل و تبعیض که خود، آن را ابداع کرده بود، برای هر کدام از مهاجر و انصار و نیز فرزندان آنان سهمی می پرداخت. عمر می گفت: ابوبکر در این امر نظر خود را ابراز کرد، ولی من در این باره، نظر دیگر دارم. من کسی را که در مقابل رسول ﷺ جنگیده است با کسی که در کنار او جنگیده، مساوی قرار نمی دهم، پس او برای مهاجران و انصار از کسانی که در جنگ بدر شرکت کرده بودند، پنج هزار و برای افراد مشابه آنان که در جنگ بدر غایب بودند، پنج هزار، برای همسران پیامبر دوازده هزار به جز صفیه و جویریة که برای آنان شش هزار قرار داد. در این روش، دو مطلب تازگی داشت، تفضیل و تبعیض و انباشت و تأخیر.

روش عثمان در مصرف بیت المال: در زمان وی هیچ گونه نظم خاصی در مصرف بیت المال حاکم نبود. خلیفه و اطرافیان، بیت المال مسلمانان را همانند اموال شخصی خود به اقوام و خویشان خود بذل و بخشش می کردند. مروان آشکارا در میان مردم ف اموال بیت المال را به خود نسبت می داد.<sup>۱</sup>

## ۲. نظرات بر بازار و مبارزه با فساد اقتصادی

طبق آموزش های اسلام، مسؤولیت اساس فرد این است که به تکیه کند و به بهترین وجه بکوشد « واین که برای انسان بهره ای جز کوشش او نیست »<sup>۲</sup>

اما واقعت کاملاً شناخته شده بازار نشان می دهد که فرد، حتی اگر به بیش ترین میزان هم سعی کند، در موارد فراوانی نمی تواند به پاداش مطلوب ودر خور شأن خود برسد و چنان که تجربه تاریخی نشان می دهد، آن گروه از عوامل تولید که قدرت چانه زنی بالایی داشته اند، همیشه سهمی بیش از بازدهی خود دریافت کرده و در عمل، سهم عوامل دیگر را بوده اند. «پیمانۀ و وزن را با عدالت، تمام دهید. ارزش اشیا مردم را نگاهید ودر زمین به فساد نکوشید»<sup>۳</sup>

اصلی اولی در تشریح اسلامی، آزادی خرد و فروش و آزادی در انتخاب قیمت است. در روایتی وارد شده که وقتی مسلمانان از پیامبر اکرم ﷺ خواستند کالایی را قیمت گذاری کند، حضرت امتناع کرده، فرمود: به درستی

<sup>۱</sup> علی اکبر رشاد و غیر، دانشنامه امام علی (علیه السلام)، جلد هفتم، اقتصاد، ص ۴۳۴-۴۳۵.

<sup>۲</sup> قرآن ترجمه فارسی، سوره نجم، آیه ۳۹.

<sup>۳</sup> همان، هود، ۸۵.

که فقط خداوند کاهش دهنده ، افزایش دهنده روزی دهنده و قیمت گذاری است .... و امیدوارم خداوند ملاقات کنم ، در حالی که کسی ستمی را خون و مال از من مطالبه نمی کند.<sup>۱</sup>  
 خوردن عدالت اقتصادی را « گران فروشی و احتکار» به حساب می آورد و آن دو را خلاف عدالت می داند و به کارگزارانش توصیه می کند با آن دو مبارزه کنند امام علی علیه السلام عوامل برقراری عدالت اقتصادی را در این فراز از سخن خود یادآوری می کند که عبارتند از:

الف - حقوق و قوانین عادلانه، آسان گیری با مشتری

یکی از برنامه های امام علی علیه السلام این بود که هر روز به بازارهای کوفه سرکشی می کرد و به بازاریان می فرمود: « ای گروه بازرگانان از خدا بترسید، پیشاپیش از خدا طلب خیر کنید و با آسان گرفتن بر مشتریان از خداوند برکت بخواهید ... از ستم دست بکشید و با مظلومان به انصاف برخورد کنید و به ربا نزدیک نشوید و کم فروشی نکنید و حقوق مردم را کم ندهید و در زمین به فساد سر بردارید.

ب - اعتقاد به معنویات ، ترس از خدا، طلب خیر از او

ج - وجود دولت و حکومت در تحقق عدالت اقتصادی در قوانین عادلانه، ضمانت اجرایی دارن .

احتکار یکی از عوامل بر هم زنده عدالت است یعنی این که قوت مردم نگه داری شود در حالی که مردم به آن نیازمند باشند. امام با این عامل مهم مبارزه می نمود و می فرمود: « مردم را از احتکار منع کن که رسول خدا مردم را از آن منع می کرد و هر کس بعد از منع تو، احتکار کند او را کیفر ده»<sup>۲</sup>

از این سخن امام علیه السلام می توان نتیجه گرفت که احتکار مانع تحقق عدالت است چون حقوق دو طرف رعایت نشده و فقط یک طرف سود برده، علت منع احتکار از طرف دولت اسلامی این است که احتکار عرضه و تقاضا و قیمت گذاری عادلانه را مخدوش می سازد قیمتگذاری عادلانه جایز است ، در مواقع ضرورت ، ولی امر مسلمانان حق دارد صاحبان کالا را مجبور به فروش کالابه قیمت المثل کند.  
 حضرت در نامه ۵۳ در نهج البلاغه فرمود:

سپس سفارش مرا به بازرگان و صاحبان صنایع بپذیر ، و آنها را به نیکوکاری سفارش کن ، بازرگانانی که در شهر ساکنند ، یا آنان که همواره در سیر و کوچ کردن می باشند ، و بازرگانانی که با نیروی جسمانی کار می کنند ، چرا که آنان منابع اصلی منفعت، و پدید آورندگان وسایل زندگی و اسایش ، و آورندگان وسایل زندگی از نقاط دور دست و دشوار می باشند ، از بیابانها و دریاها و دشت ها و کوهستان ها ، جاهای سختی که مردم در آن اجتماع نمی کنند ، یا برای رفتن به آنجا ها شجاعت ندارد . بازرگانان مردمی آرامی اند و از ستیزه جویی آنان ترسی و وجود نخواهد داشت، مردمی آشتی طلبند که فتنه انگیزی ندارند . در کار آنها بیندیش .... پس، از احتکار کالا جلوگیری کن ، که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از آن جلوگیری می کرد ، باید خرید و فروش در جامعه اسلامی ، به سادگی و با

۱ . سعید فراهانی فرد ، نقش دولت در اقتصاد، ص ۱۹۰-۱۹۱.

۲ . سید رضی ، نهج البلاغه ، ترجمه سید جعفر شهیدی ، نامه ۵۳ ، ص ۳۳۵

موازنین عدالت انجام گیرد، با نرخ هایی که بر فروشنده و خریدار زبانی نرساند، کسی که پس از منع تو احتکار کند او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود، اما در کیفر او اسراف نکن.<sup>۱</sup>

وقتی که عدالت رعایت نشود. عده ای با برقراری روابط غیر صحیح از اموال عمومی به شکل غیرقانونی بهره مند شده و آن را تصرف می نمایند. امام علی علیه السلام یکی از علل پذیرش حکومت را « بازگرداندن حقوق غصب شده» بیان می دارد و می فرماید: « به خدا قسم (بیت المال غارت شده) را اگر بیابم که به وسیله آن زنان به ازدواج درآمده (مهریه زنان شد) و کنیزکان خریداری شده، آن را به صاحبانش باز می گردانم برای این که در عدالت گشایش و رفاه برای عموم است<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام یکی از علل پذیرش حکومت را « بازگرداندن حقوق غصب شده» بیان می دارد و می فرماید: « به خدا قسم (بیت المال غارت شده) را اگر بیابم که به وسیله آن زنان به ازدواج درآمده (مهریه زنان شد) و کنیزکان خریداری شده، آن را به صاحبانش باز می گردانم برای این که در عدالت گشایش و رفاه برای عموم است.»

بازگرداندن حقوق غصب دو نتیجه مهم دارد که امام علی علیه السلام برای آن به خدا قسم می خورد « و انی اقسام بالله قسما صادقا لئن بلغنی انک خنت من فی المسلمین شیئا صغیرا و کبیرا، لاشدن علیک شده تدعک قلیل الوفیر، ثقیل الظهر.»<sup>۳</sup> و حتی وقتی که یکی از یاران و پیروان امام «عبدالله بن زعمه» از وی درخواست کمک مالی داشت امام می فرماید «این مال نه مال من و نه مال دوست بلکه جزء انفال وفیء است.»<sup>۴</sup> بر پایی عدالت و بازگرداندن حقوق غصب شده رفاه و آسایش عمومی را به دنبال دارد و به تبع آن امنیت روانی در جامعه برقرار می شود.

یکی از برنامه های امام علی علیه السلام این بود که هر روز به بازارهای کوفه سرکشی می کرد و به بازاریان می فرمود: « ای گروه بازرگانان از خدا بترسید، پیشاپیش از خدا طلب خیر کنید و با آسان گرفتن بر مشتریان از خداوند برکت بخواهید ... از ستم دست بکشید و با مظلومان به انصاف برخورد کنید و به ربا نزدیک نشوید و کم فروشی نکنید و حقوق مردم را کم ندهید و در زمین به فساد سر برندارید<sup>۵</sup> .

امام با حضور در بازار، از نزدیک با نحوه فعالیت اقتصادی مردم آگاهی می یافت و فعالیت های نادرست اقتصادی را منع می کرد، حتی به مردم راه صحیح فعالیت اقتصادی و آداب و قوانین آن را آموزش می داد.

۱ سیدرضی، نهج البلاغه ترجمه محمد دشتی، نامه ۵۳، ص ۵۸۳.

۲ همان، خطبه ۱۵، ص ۵۹.

۳ همان، نامه ۲۰، ص ۴۹۹.

۴ همان، خطبه ۲۳۲، ص ۴۶۹.

۵ محمد بن احسن بن علی بن الحسین الحر العاملی، وسایل الشیعه الی تخیص مسائل السیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۴.

افرادی که فعالیت اقتصادی دارند عبارتند از: بازرگانان، صنعت گران ساکن و مسافر در شهرها و صاحبان سرمایه و با توجه به این که برای این گروه از مردم، رنج سفر و خوف از بین رفتن سرمایه در فعالیت اقتصادی وجود دارد؛ لازم است که حکومت اسلامی به نظارت تنها بسنده نکند. بلکه گاهی هم دخالت لازم است برای این که فعالان اقتصادی از امکانات خود سوء استفاده می کنند. امام در این باره می فرماید: «بدان که در میان بازرگانان کسانی هستند که معاملات بد دارند و بخیل هستند و به خاطر سود دنبال احتکار هستند و کالا را به هر قیمتی که بخواهند، می فروشند و این سود جویی گران فروشانه زبانی برای همگان است و عیب بر حاکمان، پس از احتکار جلوگیری کن.»<sup>۱</sup>

امام علی (ع) با توجه به عواقب وخیم معاملات ربوی و ربا خوری در جامعه انسانی، به طور مستمر مردم را از آن پرهیز می داد. طبق گفته امام صادق (ع) برنامه امیر مؤمنان (ع) چنین بود که هر صبحگاه به بازارهای کوفه سرکشی می کرد و به هر بازاری که می رسید می فرمود: ای گروه بازرگانان! از خدا بترسید! (هنگامی که صدای حضرت به گوش آنها می رسید، دست از کار می کشیدند و با توجه و احترام، به کلام او دل می دادند و آن را می شنیدند) پیشاپیش از خداوند طلب خیر کنید و با آسان گرفتن بر مشتریان، از خداوند برکت بخواهید و به آنها نزدیک شوید و خود را با برابری بیارایید. از قسم پرهیزید و دروغ نگوئید. از ظلم دست بکشید و با مظلومان به انصاف برخورد کنید. به ربا نزدیک نشوید و کم فروشی نکنید و حقوق مردم را کم مدهید و در زمین به فساد سر برمدارید.<sup>۲</sup>

ربا بدون شک موجب ظلم و بی عدالتی است لذا قرآن به آن اشاره می کند در سوره بقره آیه ۲۷۹، خداوند در این آیه به مؤمنان سفارش می فرماید که آن را از ربا در مال آنها باقی مانده است واگذارند، در غیر این صورت مانند آن است که به جنگ خدا و رسول او برخاسته باشند، ولی اگر توبه کنند، سرمایه اصلی آنها برای خودشان می ماند و نه ستمی کرده اند و نه ستمی به آنها شده است.

در نظام اسلامی با ربا خوری که آثار وخیم آن به تدریج به همه شؤون اقتصادی کشیده می شود، به شدت مقابله شده، زیرا مانع تحقق عدالت و رفع ظلمی که هدف نظام و زمامداران آن است، می شد. اصیغ بن نباته می گوید: از حضرت علی (ع) شنیدم که بر فراز منبر می فرمود:

ای گروه بازرگانان! پیش از آغاز به تجارت، آداب و قوانین آن را بیاموزید.

(این جمله را سه مرتبه فرمود) و بعد بدانید که ربا در میان مردم به آرامی راه می یابد. حرکت آن از راه رفتن و جنبیدن مورچه بر روی سنگ سیاه، مخفی تر است. ایمانان را با صداقت و راستی قرین کنید. بدانید که بازرگان در معرض خطر ظلم و فجور است و فرد فاجر در آتش (عذاب الهی) است، مگر آن که حق را رعایت کند و به دیگران تجاوز ننماید.

در یک جامعه که ربا صورت گرفته، با توجه به مباحث بالا مربوط به ربا، در آن جامعه به وجه عدالت اقتصادی تحقق پیدانمی کند، زیرا اهداف ربا یعنی نابود کردن روحیه دیگران و ایثار در بین مؤمنان، و این موجب

۱ سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نامه ۵۳، ص ۵۷۶.

۲ علی اکبر رشاد و غیره، دانشنامه امام علی جلد هفتم، اقتصاد، ص ۹۵.

تمرکز ثروت در دست گروهی می شود که از فعالیت های اقتصادی سالم و مفید کناره گیری کرده و به خاطر این حضرت با رباخواری و از استفاده از پول روآورده اند مبارزه جدی می کرد تا جامعه به تحقق عدالت اقتصادی رسیده شده بود.

نتیجه

امام با دریافت عادلانه اموال و توزیع دقیق و سریع آن بین مردم بر اساس احکام شریعت الهی ، جلوگیری از تکاثر ثروت و دست به دست گشتن آن بین اغنیاء از منع مالیت های بزرگ در اموال عموم منع رشوه ، ربا و احتکار در دستگاه های حکومتی و مبارزه با همه فسادهای مالی و نظارت بر بازار توانست عدالت اقتصادی را در جامعه تحقق کند.



## نتیجه:

از مجموع مطالب گذشته به این نتیجه می‌رسیم که بی‌تردید عصر حکومت امام علی علیه السلام از دوره‌های برجسته تاریخ اسلام به‌شمار می‌آید. احیای سنت، رفع تبعیض و تبیین حقوق متقابل حکومت و مردم، و اجرای عدالت اقتصادی و بطور کلی تجلی حکومت دینی بر اساس اندیشه‌های اسلامی است. بنا به نیاز جامعه امام تلاش کردند هم به لحاظ نظری هم به لحاظ عملی و هم از حیث آماده‌سازی نظام سیاسی مقدم نظام اقتصاد بود، زیرا اگر نظام سیاسی فاسد باشد نظام اقتصادی را نیز فاسد می‌کند.

در این نوشتار، اهمیت و آثار اجتماعی عدالت اقتصادی را ذکر کرده بود و گفته بود که عدالت اقتصادی در جامعه فقر را کاهش می‌کند، قوام اجتماعی، حفظ کرامت و انسانیت، آرامش و سعادت مردم نگهداری حکومت.

حضرت با انتخاب کارگزاران ساینده و با ایمان و برکنار والیان عثمان که غالباً از خویشاوندان وی و از بنی امیه بودند، توانست اصلاح اداری خود ویژگی بسیار موثر در تحقق عدالت اقتصادی خود، یکی از راهکارهای مهمی و کلیدی حکومت حضرت دریافت و توزیع صحیح و به موقع بیت‌المال، از دیدگاه آن حضرت تحقق عدالت اقتصادی در جامعه و رسیدگی به تمام زندگی مردم، برقرار و حفظ امنیت سیاسی و اقتصادی جامعه با پشتوانه‌ی دینی بود، و با تأمین نیازمندی‌ها و ضروریات زندگی مردم و به وجود آوردن عدالت اجتماعی، می‌دانست که جامعه‌ای که از عدالت اجتماعی محروم باشد، نمی‌تواند راه عدالت اقتصادی بییماید.

زماداری وی تفاوت‌های بنیادینی نسبت به ایام خلفای پیش از خود داشته و در واقع احیای سنت نبوی و تحقق شریعت الهی، در مرکزیت رویکرد اصلاحی آن حضرت قرار داشته که نتیجه عملی آن ایجاد عدالت اقتصادی در جامعه اسلامی بوده است. حضرت می‌دانست که جامعه‌ای بدون امنیت کافی نمی‌تواند به عدالت اقتصادی مورد نظر برسد برای تمام اقشار مردم ایجاد امنیت قرار داده است. و غیر از این انتخاب مرکز حکومت هم بسیار مهم برای حکومتدار حضرت بود. امام با دریافت عادلانه اموال و توزیع دقیق و سریع آن بین مردم بر اساس احکام شریعت الهی، جلوگیری از تکاثر ثروت و دست‌به‌دست‌گشتن آن بین اغنیاء از منع مالیت‌های بزرگ در اموال عموم منع رشوه، ربا و احتکار در دستگاه‌های حکومتی و مبارزه با همه فسادهای مالی و نظارات بر بازار توانست عدالت اقتصادی را در جامعه محقق کند.

## منابع

۱. قرآن
۲. \_\_\_\_\_، اخلاق کارگزاران، انتشارات کانون اندیشه جوان، تهران، ۱۳۸۷.
۳. پیشقدم، غلام رضا، آسیب شناسی حکومت دینی از دیدگاه امام علی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۹۰.
۴. پیشوایی مهدی، سیره پیشوایان ف مؤسسه امام صادق، چاپ سیو سوم، قم، ۱۳۹۴.
۵. پیغامی، عادل، گفتارهای اقتصاد مقاومتی، انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق، تهران، ۱۳۹۳.
۶. جهانبخش ثواقب، تأمین در سیره علوی در دوران خلافت، نشر حبیب، چاپ اول، قم، ۱۳۹۰.
۷. حائری محمد، اندیشه های اقتصادی در نهج البلاغه، ترجمه، عبدالعلی آل بویه لنکرودی، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۸۶.
۸. الحر العاملی محمد بن احسن بن علی بن الحسین، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل السیعه، ج ۱۲، بیروت، لبنان، ۱۴۲۷، ص ۲۸۴.
۹. حریری محمد، تاریخ طبری، ترجمه، ابو القاسم پاینده، تهران، ۱۳۷۵.
۱۰. ذاکری علی اکبر، سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب میرالمؤمنین (ع) دبیران و مسئولان اقتصادی، دفتر تبلیغات اسلامی، خ سوم، ریالم ف ۱۳۸۴.
۱۱. رشاد علی اکبر، دانشنامه امام علی (ع)، ج هفتم اقتصاد، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگی و اندیشه اسلامی، چاپ سوم، تهران ف ۱۳۸۵.
۱۲. رضی، محمد بن حسن، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات مشرقین، چاپ چهارم، قم، ۱۳۷۹.
۱۳. صفوی فروشانی، نعمت الله، حیات اقتصادی امامان از صلح امام حسن تا آغاز غیبت صغری، سبحان، قم، ۱۳۹۲.
۱۴. طباطبائی محمد حسین، شیعه در اسلام، مؤسسه انتشارات ادبای، تهران، ۱۳۸۸.
۱۵. طوسی علی اصغر عطاران ف نقش و حقوق کاکنان در سازمان ها از دیدگاه امام علی، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی قم، قم، ۱۳۸۷.
۱۶. فراهانی سعید فرد، نقش دولت در اقتصاد (مجموعه مقالات)، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
۱۷. لنکرانی فاضل، آیین کشور داری از دیدگاه امام علی (ع)، مرکز فقهی ائمه اطهار، قم، ۱۳۸۸.



۱۸. محمد بن مکرمان منظور الافریقی المصری ابی الفضل جمالالدین، لسان العرب ، الدار المتوسیطیت للنشر، ۱۴۲۶هـ، الجمهوریت التونسیة
۱۹. محمدی صیفار ، مهدی ، اندیشه و روش اصلاح جامعه از دیدگاه امام علی (ع)، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ، قم ، ۱۳۸۹.
۲۰. المدنی اشیرازی علی خان، ریاضی السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، نشر ، مؤسسه النشر الاسلامی ، ایران ، قم ، ۱۳۲۷.
۲۱. معلوف لويس، المنجد فی اللغت والاعلام، ترجمه فارسی ، محمدبندر ریگی ، ج دوم ، تهران ، ۱۳۷۴، ایران.
۲۲. مهدی محمد بابا پور گل افشانی ، حکمیت و حکمرانی در نهج البلاغه، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ، قم ، ۱۳۹۲.
۲۳. میر معزی، حسین ، اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی ، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ، چاپ اول ، تهران ، ۱۳۸۴.
۲۴. نراقی احمد ، معراج السعاده ، ناشر ، ندای اسلام ، ایران ، مشهد، ۱۳۶۲.
۲۵. یعقوبی احمد بن یعقوب ابن واضح ، تاریخ یعقوبی ، ترجمه ، محمد ابراهیم ، انتشارت علمی وفرهنگی ف تهران ، ۱۳۷۱.
- (ج) منابع الکترونیکی

۱. [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net)
۲. [www.islamquest.net](http://www.islamquest.net)
۳. [www.toupie](http://www.toupie)



